

روزنامه رسمی کشورشاهنشاهی

حائزیزاده- در صورت جلسه نوشته شده است برای کافی بودن مذاکرات چون مخالفی نبود رأی گرفته شد در صورتیکه بنده و آقای رئیس التجار و چند تن دیگر در کافی بودن مذاکرات مخالف بودیم. رئیس- شما اظهاری نکردید والا هر وقت به ینیم مخالفی هست رأی می- کبرم.

حائزیزاده- بنده بعد از تصویب صورت جلسه اگر اجازه بفرماناید تو پیغایتی دارم عرض میکنم. رئیس- بفرماناید.

حائزیزاده- بنده تصور میکنم در جلسه گذشته در موضوع بنده یک اشتباہی شده بود و بعید خودم مقصربود و اخطاری که از طرف مقام ریاست بنده شدیک ادله دارم و صحیح نمیدانم در جلسه علني عرض کنم این است که تقاضا میکنم مقررات فرمایند در هیئت رئیسه شرفیاب شده و ادله خود را عرض کنم و حکمیت آفای رئیس را هم قبول دارم.

رئیس- این مسئله مربوط به هیئت رئیسه نیست و مطابق نظامنامه مجلس باید در جلسه علني مذاکره شود و اخطارهم از مختصات رئیس است.

اگر دلایلی داریدهاینجا بفرماناید حکمیت هم با خود مجلس است.

حائزیزاده- بنده نمیخواستم وقت مجلس را تضییع کنم ولی حالا که بفرماناید در مجلس علني باید اظهار شود عرض میکنم.

حاج میرزا علی‌محمد دولت- آبادی. چون بنده مخالفم که عجالت‌آین مسئله در مجلس مطرح شود باید اول دیدم که مجلس تصویب میکند که مطرح شود یا خیر؟

رئیس- چون آفای حائزیزاده اظهار کردند ادله دارم ممکن است بعدها گفته شود که ایشان دلایل قویه داشته اند و مجلس نگذاشت دلایل شان را بیان کنند و چون راجح یمن است تقاضا میکنم مجلس اجازه دهد که دلایل شان را بیان نمایند.

حاج هیرزا علی‌محمد دولت- حلال که میفرماناید در مجلس مطرح شود پس خوب است بماند برای بعد از تنفس رئیس- حالا که مطرح شده است چه ضرر دارد که ایشان بالفعل دلایل خود را اظهار نمایند.

(جمعی از نمایندگان)- بماند برای بعد از تنفس) رئیس- بسیار خوب حالا که عقبده مجلس این است که بماند برای بعد از تنفس حائزیزاده- فرق نمیکند باشد برای بعد از تنفس رئیس- آفای تدین (اجازه)

یک چندین پیشنهادی مجلس تقدیم نشده است بنده خواستم از ایشان سؤال کنم که چون این مالیات رسمی و قانونی نبست اگر قبول کند که برای سال آتیه این مطلب را مجلس پیشنهاد نمایند تا از تصویب مجلس بگذرد و اسباب توسعه معارف هم خواهد شد.

حائزیزاده- بنده عرضی دارم رئیس- چه بفرماناید

حائزیزاده- بنده میخواهم از حق خود دفاع کنم

رئیس- کدام حق؟

حائزیزاده- میخواهم حق خود را بگیریم

رئیس- مکی؟

حائزیزاده- مجلس رئیس- بشما اخطار میکنم با قید در صورت مجلس واگر یک‌گفته دیگر حرف بزنید رأی بگیریم که از مجلس اخراج شوید.

دستور روزنامه اولاً لایحه گل سرخ ثانیاً لایحه قانونی استخدام قضات ثالثاً لایحه کارد شهری.

چون فردا باید حضور اهلیحضرت همایونی شرفیاب شد. اگر اجازه بفرماناید دوازده نفر بقرعه معین شود

(آفای مستشار السلطنه استقرار نموده بطریق ذیل حاصل شد)

آفایان: حاج میرزا علی‌محمد دولت آبادی- سردار مفخم - آقا میرزا محمد دانش- تدین- هادا الملک

رئیس- ایشان جزء هیئت رئیسه هستند.

بیان الملک- رکن الملک - آقا میرزا ابراهیم قمی

رئیس- آقامیرزا ابراهیم قمی هم جزو هیئت رئیسه هستند

قوام الدوله- اقبال السلطنه- سپهبدار

اعظم - میرزا سید حسن کاشانی - میرزا محمد نجات- محقق العلماء

مجلس دو ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن‌الملک

جلسه ۳۴۵

صورت مشروح مجلس

یوم شنبه بیست و ششم حوت

۱۳۰۱ مطابق بیست و نهم

رجب ۱۳۴۱

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آفای مؤتمن -

الملک تشکیل گردید)

(صورت جلسه یوم چهارشنبه بیست و سیم حوت را آفای امیر-

ناصر قرائت نمودند)

رئیس- آفای حائزیزاده

(اجازه)

(اخذ آراء بعمل آمده آفایان مستشار السلطنه و امیرناصر استخاراج نموده بشرح ذیل نتیجه حاصل شد) ورقه سفید ۴۹ رأی

رئیس - عده حضار ۶۹ با کثریت چهل و نه رأی تصویب شد ماده اول راجع بقانون استخدام قضات مطرح است.

بعضی از نمایندگان - بمانند برای جلسه دیگر حالا وقت گذشته است

وزیر معارف- بنده در این موقع لازم میدانم شکرات خود و اعضاء معارف واقوف و صنایع مستنظره چه در مرکز و

چه در ولایات را عرض مجلس شورای ملی برسانم و عرض کنم حقیقتاً این مسئله بودجه معارف که با این حسن نیت و مساعدت آفایان گذشته است اسباب امتنان و

یک اساس کاملی برای بقای معارف است و امیدوارم که آفایان نمایندگان در باب ترقی و تعالی بودجه مرکز و ولایات هم

نوع مساعدت بفرمایند و همینطور در این موقع اظهار امتنان مینمایم از اعضای کمیسیون بودجه که مساعدت کردن و بودجه وزارت معارف را باین خوبی تعبیه کرددند.

رئیس- آفای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار- بنده در آن موقع اجازه خواستم آفایان گفتند مذاکرات کافی است در آن موقع مقصود من این بود

که بوزارت معارف راجع بصد وسی هزار و توانان بودجه ولایات تذکری داده باشم که این صدوی هزار توانان از اصول مالیات

و جزو بودجه عمومی بشود وقتی که آفای مشیر الدوله رئیس دولت بودند قبول فرمودند که پیشنهادی راجع به توانان یک عباسی و خواری یک‌قران که

گرفته میشود قانونی نبوده است

رئیس - مجلس تصویب کرد که مذاکرات کافی است

حائزیزاده- رأی ندادند

رئیس- گفتند مذاکرات کافی است

حائزیزاده- آفای حاج نصیر-

السلطنه گفتند کافی است بنده وبغضی دیگر گفتیم کافی نیست؟

رئیس- اگر شما مخالف بودید میخواستید بن بگوید تاری زنگیدم بشما اخطار میکنم...

حائزیزاده- اجازه خواستم اجازه ندادند.

رئیس- اصلاً شما از اول جلسه چند دفعه قطع کلام کردید اگر بخواهید این ترتیب رفتار کنید مجبور مر نظامنامه رادر باره شما اجرا کنم...

حائزیزاده- من خیلی منونم که شما نظامنامه را اجرا نمائید به مجلس تقدیم کنید تا از تصویب مجلس بگذرد و تا کنون

همست کماده ۲۸ استثناء شود رئیس - پیشنهادی از طرف آفای ملک الشعرا است قرائت شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۲۸ نیز نظر باشندگان را بفرمایند و همچنان اکثریت مجلس

موافق است در این صورت باشد

ملک الشعرا رأی گرفته شود

رئیس - رأی بگیریم بپیشنهاد آفای ملک الشعرا آفایانیکه تصویب میکنند

قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد که بماده ۲۸ همین امر وزرای گرفته شود حالا رأی می-

گیریم بماده ۲۸ بمبلغ ۱۴۸ هزار و ۴۰ توانان آفایانیکه این ماده را تصویب میکنند

قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد (ماده واحده بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی بودجه معارف را مطابق صورت ضمیمه که متشتمل بر ۶ فصل و ۲۸ ماده و بالغ بر ۶۳۵ هزار و ۶۴۸ توانان و یک هزار دینار است تصویب مینمایند

نصرت الدوله - در این بودجه یک نوزدهم ۱۵۴۰ توانان و یک‌صد و بیست توانان اضافه شد و یک دویست و چهل توانان و یک شصت توانان هم کسر شد بعد هم یک‌هزار و چهل توانان و شصت توانان هم کسر شد

(صحیح است)

رئیس- مذاکرات راجع بکلیات است .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس- خطاب بحائزیزاده - شما خلایق قطع کلام میکنید...

معتمد السلطنه - یک مرتبه دیگر فرائت شود .

(بشرح سابق خوانده شد)

معتمد السلطنه - باشد همه السنه ایات- میل اضافه شود

رئیس- اضافه میشود همه السنه ایات- آفایانیکه ماده واحده را تصویب میکنند

ورقه سفید والا کبود خواهند داد. آفای رئیس التجار رأی میدهد بایه؟

رئیس- بس چرا نمی‌شنید؟

(آفای رئیس التجار در جای خود نشستند)

این موضوع در دنیا مطرح است و خاک آن را با مریکا و لندن و سایر نقاط برده اند و همه ازوضیات آن مطلع هستند دولت‌هم چند سال خودش این خاک را استخراج کرد.

حالا خوب است آقایان ملاحظه کنندو به بینند این هفت هشت سالی را که اداره گمرک حق این تاجر ایرانی را غصب کرده و خودش این خاک را استخراج کرده است همانطورهایم یکساله ازاوبگیرند و بنده معتقدم چون خود این شخص اینجاها را پیدا کرده است و خودش مبتکر این کار بوده است اگر کمیابی دیگری هم صد وینجا هزار تومن بدهد بهتر این است که بهمین شخص پنهانیم برای اینکه تجار ایرانی تشویق شوند و سایر مردم هم امیدوارشوند و هرچه دارند در مقابل یک‌عنی بخشی به طمع صد وینجا هزار تومن بخارجه ندهند که تمام ریشه معادن مارا بپرند و یک کلاه کاغذی برای مادرست کنند.

بنده نسبت به کمیابی سهم دولت کار ندارم آقایان هرچه در نظر دارند از اینکه صدهزار تومن سهم دولت باشد را کمتر ویا بشنید خودشان معین کنند و بنده در آنها نظری ندارم فقط نسبت با اصل قضیه مقصودم این است که مجلس باید برای تشویق ایرانیها مخصوصاً این امتیازرا به شخص حاج معین التجار بدهد تامردم تشویق بشوند و از این راه دولت و ملت بتوانند منافع مملکت را حفظ کنند شاید خود بندهم نگویم که این قرارداد را بهمین ترتیبی که به مجلس آمده است قبول کنند ولی چون مذاکره درماده اول است و می‌شود نسبت با اساسن صحبت کرد این است که بنده نسبت به کلیات عرض کردم که با اصل این امتیاز موافقم و شنیده ایم آقای تدبی هم یک پیشنهادی کرده اند شاید بنده با آن هم موافق باشم و راجع با اصل قضیه باید تصدیق کرد که مانباشد برویم دور دنیا را بگردیم و هر کس صدیدنار بیشتر بدهد امتیاز را باو بدھیم و نیز بنده بادآوری می‌کنم که فرامین بلا مدت را دولت معتبر نمایند است و مجلس همینطور بی اختبار داشته و دوره دویم مجلس شورای ملی هم تکلیف فرمان را مینم کردن و البته ملاجظاتی هم نسبت به حاج معین التجار شده است.

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده با نظریه آقای حاج شیخ اسدالله کمال موافق را دارم که باشد حاج معین التجار داده شود لیکن ازقراری که بنده اطلاع دارم پیشنهادی از طرف امریکاییه اند دولت ایران داده شده است که فقط جزیره هرمز را امتیاز خواسته اند با این معنی که سالی هشت هزار تن از آنچه استخراج بشود واژ قرار هر تین سالی و

حاج شیخ اسدالله - نظر آقایان هست که در شورا اول بنده نسبت به سهم دولت وبعضی از مواد این لایحه مخالف بودم در صورتی که در اقبال موافق هستم.

جهت موافقت من چیست؟

البته هر کس عقیده اش آزاد است.

شاید یک نفر عقیده اش این باشد که حاج معین التجار ولو هر قدر هم بدولت بدهند باید این امتیاز را باودادلوی عقیده بنده این است که حقاً باید این امتیاز را بشخص ایشان دادچرا از نقطه نظر اطلاعات خصوصی که بنده دارم و قسمت هایی که در این کتابچه که حاج معین التجار طبع نموده و نوشته شده است دیده ام علاوه بر این حاج معین التجار یک نفر ایرانی است و دولت همسایه جنوبی نسبت بایان جز اثیریک نظریات سیاسی داشت و شخص حاج معین التجار از نقطه نظر علاقه بوطن ولوا نشکه برای منافع شخص خودش هم بوده استادگی و مقاومت کرده و از اعمال آن نظریات جلوگیری نموده و همه چیز را در این باب در معرض خطر گذاشت اگر بعضی از آقایان اطلاع دارند خوب است بآن کتابچه مراجعه کنند و بینند که سفارت انگلیس بدولت ایران یا حاج معین التجار چه مبنی وسیه است آیا مقصود چیست؟ آیا فقط برای تجارت است که این کاغذ بدولت یا یک تاجر ایرانی مبنی وسیه است؟ خیر برای مقاصد دیگری است حالا از این موضع می‌کنیم

البته آقایان اطلاع دارند که آنها یک نظر علاقه مخصوصی در اینجا داشته اند که این جزیره را بگیرند و این شخص بواسطه مدارات و فرایندهای که در مجلس دویم باوداده بودند ایستادگی و مقاومت کرد. حالا از نقطه نظر این قضایای خارجی می‌گذریم. اما از نقطه نظر اینکه اگر امتیاز را بیک شخص ایرانی و یک تاجر ایرانی که از زمان مظفر الدین شاه فرمان آن را داشته است بدھیم. البته بهتر است که این را داشته باشد و باید این موضع می‌کنیم. شاید ذهن بعضی از آقایان متوجه شود باینکه اگر این امتیاز را بشخص دیگر یا یک دولتی بدھیم نظریات سیاسی در کار باشد، بنده عرض می‌کنم که کمیابی امریکائی و یک چنین پیشنهادی داده و باید رئیس کل مالیه راهم که از آنجا استخدام کرده ایم خوب است که یک چنین پیشنهاد آن کمیابی هم نظر نمائیم و بینند کدام یک از این یک چنین پیشنهاد ها بصره دولت نزد دیگر است آن را قبول کنیم. علاوه بر این مطالبات حاج معین التجار هم یک نظریاتی هست بعضی از آقایان تصویر می‌کنند که بواسطه این امتیاز مطالبات حاج معین التجار از این می‌رود ولی بنده عرض می‌کنم مطالبات حاج معین التجار بطيه باین موضع ندارد و بنده در این موضع یک نظر دور اندیشی دارم و آن این است که اگر مطالبات هم در روی این قضیه حساب بشود آن وقت برای دولت دیگر چیزی باقی نمی‌ماند. این است که بنده معتقدم که این لایحه بکمیون برگردانه ایکاریس مالیه در آن نظر نموده مجدداً مجلس باید در آن وقت بعضی از آقایان فرمودند چون تاریخ تقدیم این لایحه مجلس قبل از ورود رئیس مالیه است لازم نیست.

بنده تصدیق می‌کنم که تاریخ این لایحه از طرف دولت به مجلس قبلاً تاریخی است که مجلس شورای ملی به رئیس کل مالیه این اختیارات را داده است.

البته این معدن را بیک مدت معینی بعاج معین التجار او گذار کردن و لی بعده بکمال بزروری اوراق بحصه کردند.

حالا برای مطالبه حق خودش تقاضا کرده است که من حاضرم این معدن را استخراج کنم و یک خدمتی بدولت و ملت بکنم.

آیا می‌فرمایید که کمیابی امریکائی و هندی هم جا حاضرند که این معدن را استخراج کنند؟

بنده عرض می‌کنم که چند سال است

بنابراین این لایحه هم باید بنظر او برسد و اگر نرسد مخالف با آن اختیاراتی است که برعیس مالیه داده شده است زیرا در آن اختیاراتی که برعیس مالیه داده شده است خاطر دارم عبارتش این است که ایجاد اینچه میخواهیم عرض کنیم که تشکیلات اداری وزارت معارف از نقطه نظر تعلیم کاملاً موافق با قانون اداری معارف نبوده و برای اینکه آنچه در این پیشنهاده است ناقض قانون سابق نمور شود ناچار شدم این قسمت را عرض کنم که مناطق همان قانون سابق است و چون در قانون اداری وزارت معارف یک اداره و برای تعليمات عمومی هم یک اداره قرار داده اند و در بودجه فقط اسم اداره معارف را نوشته اند و اینکه از حیث صرفه جویی در بودجه عرب ندارد ولی بايد جمله تعليمات عمومی هم در بودجه اضافه شود. زیرا بودجه را که مجلس تصویب کرده اجمع بود و بودوا که هر دو اسم قید نشود ممکن است در آتیه بودجه هم باسم تعليمات عمومی پیدا شود. باینجهت تقاضا می‌کنم که تعليمات عمومی هم اضافه شود.

رئیس - لایحه خاک سرخ مطرح است. شور دویم است. ماده اول قرائت بسود. (بضمون ذین قرائت شد) ماده اول. امتیاز انصاری استخراج و فروش خاک سرخ (اکیدن دوفر) واقعه در جزایر هرمز-قشم-لارک - هنگام باقای حاج معین التجار بوشهری از طرف دولت و اگذار می‌شود.

رئیس - آقای دست غیب (اجازه) **حاج سید محمد باقر دست غیب** بنده در شور کلیات اول عرض کردم و بعضی از آقایان نماینده کان هم ایراد فرمودند که خوب است این لایحه مراجعه شود به رئیس کل مالیه و اونظری در آن نموده بعد به مجلس باید در آن وقت بعضی از آقایان فرمودند چون تاریخ تقدیم این لایحه مجلس قبل از ورود رئیس مالیه است لازم نیست.

بنده تصدیق می‌کنم که تاریخ این لایحه از طرف دولت به مجلس قبلاً تاریخی است که مجلس شورای ملی به رئیس کل مالیه این اختیارات را داده است. ولی چون این لایحه فعلاً از مجلس می‌گذرد و بعینده بنده تاریخ گذشتن لایحه از مجلس نهاده است نه تاریخ تقدیم آن به مجلس. لهذا مطابق آن اختیاراتی که رئیس مالیه داده شده است که عموم مغارجی که از تصویب مجلس می‌گذرد باید قبلاً بنظر او بررسد.

در این است که عمل نشده و مخواستم که عرض کنم این نزاعی که سر قاضی و رئیس ایمان محاکم مشود اینها بیمورد است و هر کدام اینها مورد علی بدده دارد و راجع بدرسه حقوق هم اکر آقایان طوری که قبل مختار است حتی میخواهد مقصوب راهم مذاکره شد رجوع کنند پاینکه دستور او را مجلس تصویب میکنند البته مجلس آنچه را که محل احتیاج است تصویب میکند و گمان میکنم همین ترتیب که مرقوم داشته اند کافی است اما مشله این است که قضای آنها در امور عدله است نه در امور شرعی و اکر از حدود خودشان تجاوز کنند باید از آنها جلوگیری کنند و حالا که آقای مخبر این اصلاح را بپول کردن چندان اشکال ندارم.

رسیس - آقای مخبر این بیشناد را قبول فرمودند؟

مخبر - بنه این بیشناد را قبول

رسیس - (خطاب بمدرس) رسیس آن

بیشناد گردانسته باید داری دیگری مدرس - بنه بیشناد دیگری نکرده بودم.

رسیس - پریروز یک بیشناد

کردید.

درس - آنرا مسترد مینیابم

رسیس - (خطاب به حجاج شیخ اسدالله) بیشناد شما خوانده شود با مسترد میدارید؟

حج شیخ اسدالله - دو بیشناد است که کدام یکی؟

رسیس - بیشناد راجع بهاده اول

حج شیخ اسدالله - خوانده شود.

بعضون ذیل خوانده شد.

بنده بیشناد میکنم ماده اولین قسم نوشته شود.

ماده اول روؤس و اعضاء محاکم و

صاحب منصبان پار که باید همان شرائطی را دارا باشند که در ماده ۱۴۲ و ۱۴۸ اصول تشکیلات عدله مصراحت است و بهلاوه این امور به محاضر شرعیه رجوع شود.

باشد مقادی استعمال افیون نبوده و دارای اعراض مسریه نباشد و قیام و اقدام بر ضد حکومت ملی نکرده باشند.

رسیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حج شیخ اسدالله - اکر چندن آن

میزانی را هم که در اصول تشکیلات نوشته شده است باز ناقص میدانم و اکر یکنفری معکسر نوشته شد بود خلی بپشت بود

و اکر همان کشدا یا حاکمهم که آقای مدرس فرمودند آدمی بود که معروف به

صحت عمل و حسن عقیده بود پیشتر اسباب

پیشرفت کار میشد چرسد پاینکه اعضاء

محکمه و عده باشدو بخواهند تمام دعاوی

را همان مجکمه رجوع مکنیم.

اینچه بعضی آقایان نسبت باین قسم

که صحت عمل را چطور میشود شغب داد

ashkal میکردن اکر آقایان الان دقت

های آنها طوری است که هیچ حقوقی را غاضی بلکه مورد و مستخدم عادی درین اوضاع نیستنکه آنوقت باهنرا نسبت باینها باید قوانین اسلام و قوه اسلام و تفسیر آیات که عدله آنها تسامح دارد بنارین حالا توامی قاطبه است و از اینجهه نمیشود شرایط وقت میشود گفت در مملکت اسلام غاضی هست هر کس هر چه بیل دارد پیشنهاد کند مثله سن بندمه ۳۰ سال را که معین کرده قید کنند بکند

(جمیع گفتن مذاکرات کافی است) رسیس - آقای اینکه مذاکرات را کافی است کافی میدانم یعنی اینکه کافی است که داوطلب استخدام در عدله می شود کافی است که باید یک تجارت و یک استنباطات علاوه بر شوند و این غیر از قضای معاشر شرع است و این اشخاص باید اینقدر معلومات داشته باشند که بفهمند متقاض اینکه میشود کافی است که فطی هلام از است حائز برای اینکه باشند که میشود از این خصوصیات و تخفیض بدهد و بطریق او حقوقی نوشت تجارتی که دارد حقیقت مطلب را استنباط و درک میکند و این فواید استنباطی را شناخت و درک میکند مملکت ما اسلام است و ما همه مسلمان هستم بنه عرض میکنم من میفرمایند مملکت ما اسلام است و ما از همه مسلمان ترم و اسلام راهم از همه بهتر از همه مسلمان ترم و اسلام راهم از همه بهتر

های بخوبی - بنه این بیشناد را قبول

میکنم

هدرسی - بگذاری من توضیح بدhem در اصل مسئله جازه خواسته بود که مذاکره کنم مذاکرات کافی شد بند داریان موادی

که نوشته شده موافق ولی منتهی این است

آقای سلیمان میرزا راجع به این تکلیف

ملل دنیا کمال سعی و کوشش را دارند که قضای اظهاری داشته و خواستند بقه نطق و خوب و با دیانت در عدله خودشان بگمارند

تاریخ افراد مردم بهتر حفظ شود و در این

قانون هم کمال دقت شده و میخواهیم قضای از

قدیر اهل بود پاینکه در آن

قانون سن غاصی راییست و پنج سال قرار

میگر کسی مخالف اینها است که منشاء آن این

که اکر رجوع کرده بودند بقانون تکلیف

مذکور که در این قدر میگردید

دانشمند بشه شده و تقوی باشند

یعنی شناسد چکونه بتوان قیدی را در عدله

حقوق البته همان فقیه که نقطه نظر آقای

کاژارونی مخالف بودند و کمان میکنند

خود تمام زیرا در مدرسه

نمیشناسد جکونه بتوان قیدی را در عدله

که اینکه در عدله بشه شده و تقوی باشند

فائل شد ولی شرط منعی که فاسد العقیده

باشد سخت است و البته کسی که معروف

گذشت قید شد که اعضاء عدله باید در

انجمن تکلیف اینکه در عدله باشند

منطقی ندارده و مینه مینه مذکوره به عقیده

شده و در آنجا امتحان بدهند یا تصدیق نامه

از مدرسه حقوقی خوب است زیرا بطوری که معرفش شد

فلان شاگرد مدرسه یافلان طلبه که در زوایای

باقی نمی ماند. متنه بیر گرام مدرسه حقوق

هم انظور که آقای مدرس در نظر داشته باید

از مجلس بگذرد و بندهم مقتدم که در اینجا

نمی شناسد که در تدقیق قیدی را در عدله

او قائل شون لهدا بانجی که نوشته شده

خوب است

دانشمند بشه شده و در عدله باشند

که عدله بشه شده و تقوی باشند

در عدله بشه شده و تقوی باشند

که عدله بشه شده و تقوی باشند

که

